



پروژه ششگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله امیر علم ان

شلیک بی صدا

سیاست‌های غرب در فرهنگ رسانه‌ای

بابک بابازاده





شرایط حاکم بر جهان و الزامات موجود در عصر کنونی که شاخصه اصلی آن بیداری ملت‌های مستضعف است، موجب شده که غرب در سیاست‌های استعماری خویش تجدیدنظر کند و از اقدامات نظامی صرف به اقدامات فرهنگی روی آورد. در همین راستا نظام لیبرال دموکراسی غرب در رسانه‌های خود که برای تضعیف و ایجاد خلاء فکری و هویتی در میان ملت‌های مؤمن و مستقل برنامه‌ریزی شده است، همواره اصول ثابتی را ترویج می‌کند و می‌کوشد با تکیه بر این اصول به اهداف شیطان‌ی خویش برسد. از جمله اصول رسانه‌های غربی در تهیه برنامه‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. اصالت لذت و تمتع (آن‌چه که بنیان خانواده را در غرب ویران ساخته لذت‌گرایی و تمتع است)^۱
 ۲. دنیاگرایی؟^۲
 ۳. فردیت افراطی و امانیسم؟^۳
 ۴. فمینیسم (هر چیز را از نگاه جنسیت دیدن و در یک کلام تبلیغ برای رفع حیا از سطح اجتماع)؛^۴
 ۵. سودپرستی اقتصادی؛^۵
 ۶. ترویج بی‌بندوباری (و اباحه‌گری)^۶
- مروجان این اصول، خواستار شکل‌گیری یک بحران هویتی و پوچی در میان جوامع انسانی‌اند. غرب می‌خواهد در خلاء ایجاد شده در سطح افکار عمومی جامعه و بخصوص جوانان، هویت متناسب با منافع خود را جایگزین هویت اصلی جوامع هدف کند.^۷ در بیانی دیگر می‌توان سیاست‌های رسانه‌های غرب را در راستای تأمین منافع اقتصادی بنگاه‌های بزرگ غربی دانست. در گذشته ابرقدرت‌ها برای تسلط بر منافع دیگران، به کشورهای دیگر لشکرکشی می‌کردند و در سایه تهاجم نظامی، به اعمال سلطه می‌پرداختند؛ ولی امروزه در امپریالیسم نوین از راه کنترل اهرم‌های کلیدی اقدام می‌کنند. و یکی از کلیدی‌ترین اهرم‌ها مقوله فرهنگ می‌باشد که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، بی‌صدترین و مخرب‌ترین ابزار حمله دشمنان است.

غرب به سرکردگی آمریکا پس از ساختار شکنی و ایجاد خلاء در مرحله

اول، در مرحله بعد به دنبال جایگزینی ساختار سکولار در راستای تثبیت منافع خود برمی‌آید. و برای عملی کردن سیاست‌های فرهنگ رسانه‌ای خویش چون سکولاریزاسیون از شیوه‌های گوناگونی استفاده می‌کند. در برنامه‌ها و تبلیغات رسانه‌ای غرب می‌توان با جستجوی کوچک به نتایج زیر رسید.

الف. تخریب بنیان‌های فکری و اعتقادی: رسانه‌های غربی می‌کوشند از طریق رمان، فیلم، کاریکاتور و ... چهره فرهنگ‌های اصیل به ویژه اسلام را مخدوش جلوه دهند. هجوم به مبانی فکری و ارزشی مسلمین و نفی ارزش‌های دینی و ملی، ابزاری برای تثبیت حاکمیت غرب و تحمیل ارزش‌های مطلوب آن‌ها به شمار می‌آید. «سردیپا تریفکوریچ» (Srsja) (Trifkoric) مؤلف کتاب «فائق آمدن بر خطر جهاد» بر این باور است که ... «دیر یا زود، ناگزیریم با این واقعیت (وجود مسلمین در غرب) به مقابله برخیزیم و بهترین شیوه جهت مقابله با جهان اسلام آن است که حتی الامکان با آن کم‌تر در تماس باشیم. مصلحت آن است که مهاجرت مسلمانان را به سرزمین‌های خود در مغرب زمین کاملاً متوقف کنیم و ...»^۸

دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ای غرب با ارائه اخبار و اطلاعات ناقص، شبهه‌انگیز و اغلب نادرست در زمینه رهبران و نهادهای جمهوری اسلامی، سعی در القای ناکارآمدی نظام اسلامی و ایجاد شبهه درباره ارزش‌های دینی و هنجارهای مذهبی دارند.

غرب با تمام توان در پی حذف فیزیکی مسلمانان از سرزمین‌های خود است و با تنگ‌تر کردن فضای تبلیغاتی می‌کوشد تا با فشار بر مسلمین آن‌ها را به تجدید نظر در دین خود وادارد و یا به تدریج از صحنه زندگی غرب حذف کند.

غرب با تمام توان در پی حذف فیزیکی مسلمانان از سرزمین‌های خود است و با تنگ‌تر کردن فضای تبلیغاتی می‌کوشد تا با فشار بر مسلمین آن‌ها را به تجدید نظر در دین خود وادارد و یا به تدریج از صحنه زندگی غرب حذف کند. در همین راستا آقای تریفکوریچ

شرایط حاکم بر جهان
و الزامات موجود در عصر
کنونی که شاخصه اصلی آن
بیداری ملت‌های مستضعف است،
موجب شده که غرب در سیاست‌های
استعماری خویش تجدیدنظر
کند و از اقدامات نظامی صرف
به اقدامات فرهنگی
روی آورد.



به گوشه‌ای از این برنامه‌ها می‌پردازد و می‌گوید: «برای ما ضروری است که محیط و جوی ایجاد کنیم که در آن اجرای فرایض دینی با دشواری مواجه شود. صلاح در آن است که شهروندان مسلمان یا ناگزیر شوند که شیوه‌های غیر دینی زندگی ما را بپذیرند و یا در صورتی که شیفته احکام شریعت هستند، سرزمین‌های ما را ترک کنند... در مکان‌های عمومی استفاده از حجاب باید ممنوع گردد. نباید اجازه... اذان گفتن در ملا عام داشته باشند»^۹

توجه به دستورالعمل‌های ذکر شده در کتاب مذکور نشان می‌دهد که امروزه مو به مو به آن‌ها عمل می‌شود و در همین راستا با استفاده از رسانه‌ها سعی در مخدوش جلوه دادن چهره پیامبر اعظم صلوات الله علیه دارند.

ب. برچسب زدن به کشورهای مستقل و افراد صاحب نفوذ در جهان اسلام: دستگاه‌های تبلیغاتی غرب با گزینش مفاهیمی از جمله محور شرارت، انتخابات فرمایشی، ارتجاع

مذهبی، بنیادگرایی اسلامی نظام سرکوبگر و الصاق آن‌ها به کشورهایمانند ایران می‌کوشند بر نگرش مخاطبان خود تأثیر بگذارند و از جهتی دیگر عملکرد این کشورها و افراد صاحب نفوذ را مختل کنند.^{۱۰} زیر سؤال بردن مبانی مشروعیت حکومت ایران، تروریست نامیدن حزب الله لبنان و حماس و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و متهم کردن هر روزه ایران به حمایت از تروریسم در همین راستا ارزیابی می‌شود.

ج. نقی کارآمدی لیبرال دموکراسی: غرب و به ویژه آمریکا با همراهی عوامل داخلی خود سعی در بزرگ‌نمایی مشکلات نظام اسلامی دارند و پس از تبلیغات و جنجال فراوان درباره مشکلات داخلی، به برجسته‌سازی مزایای لیبرالیسم می‌پردازند!

د. ایجاد اختلاف و چند دستگی: غرب در رسانه‌های خود، هر روز با پخش صداها ساعت برنامه و تحلیل، برای ایجاد تقابل و درگیری بین اقوام و مذاهب گوناگون، هم در بعد ملی و هم در سطح جهان اسلام تلاش می‌کند. دامن زدن به اختلاف‌ها و رسانه‌ای کردن کوچک‌ترین مسائل داخلی مسلمین از برنامه‌های اصلی و همیشگی رسانه‌های غرب به شمار می‌آید.

ه. ایجاد ابهام و تردید در اذهان مردم: دستگاه‌های تبلیغی و رسانه‌ای غرب با ارائه اخبار و اطلاعات ناقص، شبهه‌انگیز و اغلب نادرست در زمینه رهبران و نهادهای جمهوری اسلامی، سعی در القای ناکارآمدی نظام اسلامی و ایجاد شبهه درباره ارزش‌های دینی و هنجارهای مذهبی دارند. هم اکنون آمریکا برای میلیون‌ها مخاطب به ۳۷ زبان دنیا پیام تبلیغاتی و روانی ارسال می‌کند که بیش‌تر این پیام‌ها به جهان اسلام و ایران معطوف است.

و. هدایت افکار عمومی: رسانه‌های غربی و کارگزاران خبری آن‌ها آگاهانه و با برنامه‌ریزی به تصویرسازی خبری می‌پردازند و با از واقعیت‌ها انگاره‌هایی خلق می‌کنند که تنها در راستای اهداف آن‌ها باشند. در فضای نوین رسانه‌ای،

رسانه‌ها بازیگران غیر دولتی سیاستگذاری خارجی امروز کشورها هستند. به دلیل این که گفتمان‌سازی، تصویرسازی و اقناع دیگران، در تعاملات دیپلماتیک و سیاست خارجی جایگاهی نوین یافته، نقش رسانه‌ها در پردازش و اقناع دیگران بسیار کلیدی‌تر از گذشته شده است. جدیدترین نمونه مطالعات درباره چگونگی تصویر اسلام در رسانه‌ها پژوهشی است به نام چهره خشن و تضادگرایی اسلام در شبکه‌های ARD و ZDF آلمان به مدیریت «کی حافظ» که تمام برنامه‌های تلویزیونی این دو شبکه درباره اسلام در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ را بررسی کرده است. براساس نتایج این پژوهش، در ۸۱ درصد از برنامه‌ها اسلام با موضوعاتی که به طور مستقیم یا ضمنی دارای مفهوم منفی هستند، ارتباط داده شده است: برای مثال، در ۲۳/۳۱ درصد برنامه‌ها نام اسلام در کنار مقولاتی چون تروریسم و افراط‌گرایی قرار گرفته، در ۱۶/۵۴ درصد نام اسلام در کنار تضاد و کشمکش بین المللی مطرح شده و در ۹/۷۷ درصد این دین را مروج عدم تسامح دینی دانسته و در ۴/۵۱ درصد، آن را به سرکوب زنان متهم کرده است.^{۱۱}

پی‌نوشت‌ها

۱. رجوع شود به مقاله «توسعه برای تمتع»، نوشته آوینی از کتاب «توسعه و مبانی تمدن غرب».
۲. رجوع شود به مقاله «بهشت زمینی» نوشته شهید آوینی، کتاب «توسعه و مبانی تمدن غرب».
۳. رجوع شود به مقاله «نظم نوین جهانی و راه فطرت»، ص ۱۳۳، از کتاب «آغازی بر یک پایان».
۴. رجوع شود به مقاله «فمینیسم، رسانه و مطالعات فرهنگی» برگرفته از سایت www.methodscs.ir.
۵. رجوع شود به مقاله «سرپرستی، بنیان اقتصاد آزاد»، نوشته شهید آوینی کتاب «توسعه و مبانی تمدن غرب».
۶. رجوع شود به مقاله «ویدئو در رابر رستاخیز تاریخی انسان»، شهید آوینی، کتاب «رستاخیز جان».
۷. رجوع شود به کتاب «استعمار فرانو، جهانی‌سازی» حسن واعظی، ص ۱۴۳، بحث جهانی‌سازی هویت.
۸. رجوع شود به کتاب «فائق آمدن به خط جهاد» سرتیغ‌کوویچ به نقل از سایت www.autbasij.org.
۹. همان.
۱۰. رجوع شود به کتاب «استعمار فرانو» حسن واعظی، ص ۲۶۴ الی ص ۲۷۰، «شیوه‌های استعمار برای تسلط بر کشورها».
۱۱. رجوع شود به مقاله «اسلام در رسانه‌های غربی»، الهام سادات سیادت، به نقل از روزنامه جام‌جم و سایت www.tebyan.net/Archive/society-politic